

تاریخ	حاضران	مسئول محفل	ارائه‌دهنده	موضوع	محفل
۳ شهریور ۹۸	۱۴ نفر	ثمین توانایی	مهندس میثاق قبادی	نگاهی به زندگی و آثار نظامی گنجوی	پنجاه و چهارم



نظامی گنجوی (۶۰۷/۶۱۲-۵۲۳ ه.ق.)

بخش یک: مقدمه

بخش دو: چکیده‌ای از آثار

بخش سه: آثار نظامی از نظر فرمی

بخش چهار: آثار نظامی از نظر محتوایی

مقدمه

نظامی زاده و درگذشته گنجه، تمام عمر در آثار و زندگی خود به دنبال انسان آرمانی، جامعه آرمانی و آرمان شهر بود. ابتدا با ادبیات تعلیمی در «مخزن الاسرار» تلاش کرد به آن دست یابد. نظامی، این رویا را در «خسرو و

شیرین» پی گرفت و سرانجام در «اسکندرنامه» قهرمان داستان، آرمان شهری را آن سوی کوه‌ها و دریاها از نو بنا می‌کند.

نظامی متأثر از «شاهنامه فردوسی» و «ویس و رامین فخر گرگانی» و «کلیله و دمنه» بوده است. قصه‌های بهرام گور، اسکندر و خسرو و شیرین در شاهنامه آمده‌اند اما روایت نظامی با آنچه فردوسی گفته متفاوت است. در واقع، فردوسی تلاش کرد تا آنچه در اسناد و تواریخ پیش‌تر آمده بود را به نظم درآورد، اما نظامی از بستر این داستان‌ها برای بیان افکار و آرمان‌هایش بهره برد.

## چکیده‌ای از آثار

### مخزن الاسرار

نظامی استاد بی‌رقیب استعاره‌های بدیع، ترکیب‌سازی و واژه‌سازی است. او از نخستین اثرش، مخزن الاسرار این توانایی خود را به رخ کشید، اما پیچ‌وتاب‌های شاعرانه و گاه پیچیده‌گویی‌های این زبان، با رسالت ادبیات تعلیمی در تضاد قرار گرفت و از بیان صریح و ساده‌تعالیم جلوگیری کرد. مخزن الاسرار پژوهاک شورانگیزی از حدیقه‌الحقیقه سنایی است، اما نظامی آن را در بحر سریع سرود تا شور و طنطنه بیش‌تری به این اثر دهد. این منظومه، سرشار از نقد اجتماعی است و سعی داشت با اصلاح افراد به جامعه آرمانی خود نزدیک شود. به لحاظ قدرت ادبی و شعری، مخزن الاسرار با بقیه آثار نظامی فاصله زیادی دارد.

### خسرو و شیرین

نظامی، شاعر اخلاق‌گرا و متشرعی است که همسر جوان و محبوب خود را بسیار زود از دست داد. شاید در یادکرد او، داستان عاشقانه خسرو و شیرین را ساخت. گرچه نام داستان در افواه مکرر شنیده شده بود، اما روایت نظامی با آنچه پیش‌تر فردوسی گفت متفاوت بود. نظامی خود در ابتدای داستان خسرو و شیرین چنین می‌گوید:

مرا چون هاتف دل دید دمساز / بر آورد از رواقِ همت آواز

که بشتاب ای نظامی زود دیر است / فلک بدعهد و عالم زود سیر است

نگفتم هر چه دانا\* گفت از آغاز / که فرخ نیست گفتن گفته را باز

در آن جزوی که ماند از عشق‌بازی / سخن راندم نیت بر مرد غازی

\*دانا اشاره به فردوسی دارد و می‌گوید شایسته نیست آنچه را فردوسی گفت بازگو کنم؛ بلکه از عاشقانه‌هایی خواهم گفت که در روایت فردوسی نیامده است.

شخصیت‌های داستان نظامی، ویژگی‌های خاکستری دارند (نه مطلقاً مثبت و نه مطلقاً منفی) و در طول داستان دچار لغزش‌هایی می‌شوند، اما سرانجام در پایان داستان به حقیقت، قهرمان می‌شوند. هم خسرو و هم شیرین در طول داستان مرتکب برخی اشتباه‌ها می‌شوند و در این معاشقه به دام خیانت یا دیگرورزی می‌افتند، اما در صحنه پایانی، خسرو در حالی که زخمی است، حتی تاب لحظه‌ای بیدار کردن شیرین و برهم زدن خواب او را هم ندارد.

ملک در خواب خوش، پهلو دریده / گشاده چشم و خود را کشته دیده

ز خونس خوابگه طوفان گرفته / دلش از تشنگی از جان گرفته

به دل گفتا که شیرین را ز خوشخواب / کنم بیدار و خواهم شربتی آب

دگر ره گفت با خطر نهفته / که هست این مهربان شب‌ها نخفته

چو بیند بر من این بیداد و خواری / نخسبد دیگر از فریاد و زاری

همان به، کین سخن ناگفته باشد / شوم من مرده و او خفته باشد

به تلخی جان چنان داد آن وفادار / که شیرین را نکرد از خواب بیدار

شیرین نیز، عاشقانه و قهرمانانه در پایان داستان به همان شیوه که محبوبش را از دست داد، خود را از میان می‌برد.

### لیلی و مجنون

این داستان به نوعی تصویر تسلیم و عجز انسان در برابر سرنوشت است. این منظمه گرچه بسیار سریع (حدود ۴ ماه) سروده شد، اما به لحاظ فرمی و ادبی جایگاه رفیعی دارد. علاوه بر داستان پرسوز عاشقانه‌ای که هرگز رنگ وصال نمی‌بیند، نظامی داستان‌های فرعی بسیاری را در آن گنجانده است که بیشتر رنگ تعلیمی دارند. گویی جستجوی آرمان‌شهر و تلاش برای ایجاد آن دغدغه همیشگی شاعر بوده است. با این وجود، برخی منتقدان باور

دارند که لیلی و مجنون پایان امیدواری نظامی برای ایجاد آرمان‌شهر در دنیای واقعی است و از آن پس، آرمان‌شهرهای او قرار است در سرزمین‌های دوردست از نو بنا شوند.

#### اسکندرنامه

شخصیت اسکندر در این منظومه، ترکیبی از اسکندر مقدونی، حاکم حکیم افلاطونی و ذوالقرنین قرآنی است. اسکندرنامه در دو بخش شرف‌نامه که شرح فرمانروایی اسکندر و بخش اقبال‌نامه که سیمای فیلسوف فرمانروا و پیامبر است بیان می‌شود و داستانی از به‌کمال‌رسیدن قهرمان داستان را ترسیم می‌کند. شخصیت خاکستری اسکندر چنان در مسیر کمال تبدیل به قهرمان می‌شود که در ابتدای داستان به‌دنبال حیات ابدی است، اما در پایان صحبت با اهل حکمت برایش چون چشمه آب حیوان ارزشمند می‌شود. او سرانجام، آرمان‌شهری را در سرزمینی دوردست بنا می‌کند تا پایانی باشد برای سرگشتگی نظامی آرمان‌خواه.

#### آثار نظامی از نظر فرمی

نظامی، شاعری فرمالیست

بسیاری از منتقدان، نظامی را هنرمندی فرمالیست می‌دانند. او تبحری ویژه در واژه‌گزینی، واژه‌سازی، آشنایی‌زدایی، انواع تناسب، هنجارگریزی و... دارد.

هریک ز قبیله‌ای و جایی / جمع آمده در ادب‌سرایبی (واژه‌سازی، به‌جای مکتب‌خانه)

آنان که نه اوفتاده بودند / مجنون لقبش نهاده بودند (آشنایی‌زدایی از اوفتاده، به‌جای عاشق)

گفت ای چو دلم سلیم نامت / توقیع سلامتتم، سلامت (تناسب)

وان شیرسگان آهین‌چنگ / کردند نخست بر وی آهنگ (هنجارگریزی)

بپرسید پرسنده نغزال / کاو چون نماید سرانجام حال (واژه‌سازی، به‌جای نیک‌فال)

به شمعش بر شبی پروانه بینی / ز نازش سوی کس پروا نه‌بینی (جناس مرکب)

## آثار نظامی از نظر محتوایی

هویت انسان در آثار نظامی و آرمان شهر او

تفکر آرمانی او دوری از ابتذال و فساد دوران خود بوده است. او به دنبال نمونه کامل انسان و جامعه می‌گردد و تلاش کرد تا وجوه منفی شخصیت‌های قهرمانش را کم‌رنگ (اما نه بی‌رنگ) کند. هر شخصیتی در ابتدا خاکستری و بعد در مسیر داستان به کمال می‌رسد. در میان آرمان‌شهرهای متعددی که نظامی تصویر کرده است، آنچه بسیار متمایز بود تصویر آرمان‌شهرهایی زنانه و زنانی قهرمان است که کم‌تر در ادبیات ما به آن توجه شده است.

آرمان‌شهر زنانه از شهر آرمن در داستان خسرو و شیرین آغاز می‌شود. شهری که مهین بانو، عمه شیرین، پادشاه آن و شیرین ولیعهد او است. ارمن کاملاً ویژگی‌های یک آرمان‌شهر را دارد.

نخست، دور از دسترس است:

بسی گشتم درین خرگاه شش طاق / شگفتی‌ها بسی دیدم در آفاق

از آن سوی کهستان منزلی چند / که باشد فرضه دریای دربند

زنی فرمانده است از نسل شاهان / شده جوش سپاهش تا سپاهان

همه اقلیم اران تا به ارمن / مقرر گشته بر فرمان آن زن

دوم، عدالت:

به انصافش رعیت شاد گشتند / همه زندانیان آزاد گشتند

ز مظلومان عالم جور برداشت / همه آیین جور از دور برداشت

ز هر دروازه‌ای برداشت باجی / نجست از هیچ دهقانی خراجی

ز عدلش باز با تیهو شده خویش / به یک جا آب خورده گرگ با میش

رعیت هر چه بود از دور و پیوند / بدین و داد او خوردند سوگند

سوم، هماهنگی و مدیریت:

به خوبی در جهان یاری ندارند / به گیتی جز طرب کاری ندارند

چو باشد وقت زور آن زورمندان / کنند از شیر چنگ از پیل دندان

روایت نظامی از این شهر، می‌تواند حتی گویای نگاهی از جنس فمینیسم رادیکال باشد؛ چرا که زنان این شهر «کامرانانه» از ازدواج دوری می‌جویند و در شکار، چوگان، جنگ و قدرت بدنی از مردان پیش می‌گیرند.

- ندارد شوی و دارد کامرانی / به شادی می‌گذارد زندگانی
- ز مردان بیشتر دارد سترکی / مهین بانوش خوانند از بزرگی
- عروسانی زناشویی ندیده / به کابین از جهان خود را خریده
- به هنگام خزان آید به ابخاز / کند در جستن نخجیر پرواز
- چو شیر ماده آن هفتاد دختر / سوی شیرین شدند آشوب در سر
- به مردی هر یکی اسفندیاری / به تیرانداختن رستم سواری
- به چوگان خود چنان چالاک بودند / که گوی از چنبر گردون ربودند

#### شخصیت زن در آثار نظامی

چهار زن در آثار او در جایگاه زمامداری بوده‌اند: مهین بانو و شیرین (در خسرو و شیرین)، نوشابه (در شرف‌نامه) و ماریه قبطیه (در اقبال‌نامه). این زنان، در داستان‌های نظامی همگی مدبر و خردورز بودند. نوشابه در مقطعی مقابل اسکندر می‌ایستد و آنچه پیروزش می‌کند تدبیر و خردش است:

منم شیرزن گر تویی شیرمرد / چه ماده، چه نر، شیر وقت نبرد

نظامی موافق حضور اجتماعی زنان است و داستان‌های را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که تا حد ممکن حرمت شخصیت زن حفظ شود. برای نمونه، در داستان بهرام گور و کنیزک، بر خلاف آنچه پیش‌تر گفته می‌شد، شخصیت کنیزک را به دلیل خردورزی‌اش حفظ می‌کند و سرانجام بهرام تسلیم تدبیر و خرد او می‌شود و با او ازدواج می‌کند.

برخلاف داستان‌هایی سراسر عاشقانه و شورانگیز، نظامی کم‌تر تصاویری کاملاً اروتیک ترسیم کرده است و جذابیت زن را به لذت‌جویی مادی تقلیل نداد؛ بلکه آنچه زنان را به قهرمان‌های داستان او تبدیل می‌کند، همان خرد و اندیشه آن‌ها است. زنان این داستان‌ها، فعال، حاکم، دلاور، قهرمان و خردورزند. چنین اندیشه‌ای در قرن ششم هجری، و در حالی که پس از او شاعران بزرگ ادبیات ما بعضاً زن‌ستیز بوده‌اند یا جایگاهی برای زنان در جامعه قائل نبودند، اندیشه‌ای شایان توجه و تحسین است.

#### منابع

- ۱- پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد؛ عبدالحسین زرین کوب، انتشارات سخت
- ۲- بررسی و تحلیل ساختاری شعر نظامی؛ سیفی و غیبی
- ۳- ترکیب‌سازی‌های واژگانی در پنج‌گنج نظامی؛ قاسمی‌پور
- ۴- زبانه‌ای از زبان نظامی؛ دهمرده
- ۵- سبک نظامی در گسترش ترکیبات هنری؛ اسپرهم
- ۶- غنای قافیه در خسرو و شیرین نظامی؛ سرداگی و نصرآزادانی
- ۷- کاربرد مؤلفه‌های غنایی در توصیف شخصیت‌های منظومه خسرو و شیرین؛ پارسا
- ۸- هویت انسان در پنج‌گنج نظامی؛ محرمی و سروری
- ۹- تصویر کنگ‌دژ آرمان‌شهر نظامی؛ اصیل
- ۱۰- آرمان‌شهر زنان در خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای؛ طغیانی و معینی‌فرد
- ۱۱- بررسی و تحلیل «شاه زن» در نگاه نظامی؛ کرمی
- ۱۲- بررسی شخصیت زن در شعر نظامی؛ نوروزی

در ابتدای بخش دوم محفل، به معرفی آثار ادبی پرداخته شد و مجله فرهنگی هنری بخارا به سردبیری علی دهباشی را مهندس میثاق قبادی (مهندسی معدن، ۹۵) معرفی کرد.

در ادامه بخش دوم، همچون روال گذشته حاضران به شعر و نثرخوانی آزاد پرداختند. در این محفل، مهندس غلامرضا زهری (مهندسی راه و ساختمان، ۳۸) مهندس محمد عابدینی‌نژاد (مهندسی راه و ساختمان، ۵۳)، مهندس فاطمه توانایی (مهندسی معدن، ۹۱) و همچنین سجاد نفر (مهندسی نقشه‌برداری، ورودی ۹۵) اشعاری از سروده‌های خود را قرائت کردند.



شعرخوانی سجاد نفر (مهندسی نقشه‌برداری، ۹۵)

هر لحظه دعا کردم «هر لحظه تورا دیدن»

هر بار صدا آمد هر مرتبه خندیدن

کی عاقل دیوانه او را تو نمی‌بینی؟

آن چشم دگر وا کن ای وای بر این دیدن



با دیده‌ی دل دیدم در قلب منی و دل  
افتاده به پای تو مشغول پرستیدن

یک ذره نگاه تو خرجی که ندارد که  
کی سود تو را آمد از چشم بدزدیدن

باشد به دوتا چشمت هی ناز بکن بانو  
نازم به دو عالم من از ناز تو بکشیدن

آدم نشوم دیگر بی حال و هوای تو  
یا دوزخ تنهایی یا سیب تو را چیدن

در دامن دل دادن درد است دوا اصلا  
حاشا که بخوادم من از دست تو رنجیدن

الطاف خداوندی چندیست نمی بارد  
ما رو به دعا آریم او رو به نه بشنیدن

حالا که نمی بارد بر باغچه‌ی واعظ  
چندیست که چشمانم افتاده به باریدن

کمیته شعر و ادب

کانون مهندسیین فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران